

ایران زندگي

یک روز در مجتمع پردازش و بازیافت زباله تهران

آرادکوه آشیانه عقاب‌ها



عکس‌ها: شامس‌علیان / ایران

یوسف حیدری
گزارش نویسن

کامیون‌ها پشت هم سربلایی تند جاده را بالا می‌روند. یکی نخاله می‌برد، یکی زباله. کامیون حامل خاک هم آنها را دنبال می‌کند. مقصد همه سایت دفع زباله است. صدای لودرها از یک کیلومتری شنیده می‌شود. آژیر که به صدا درمی‌آید کارگران سایت پردازش زباله، بساط ناهار را جمع می‌کنند. یکی از آنها زیر آفتاب چرت می‌زند و وقتی متوجه مامی شود، می‌گوید: چشم‌مانم را برای چند دقیقه استراحت می‌دهم. با آن چشم‌ها باید مراقب باشد بطری پلاستیکی از نقاله عبور نکند. نقاله‌ها با صدایی گوش‌خراش حرکت می‌کنند. سروکل کامیون بزرگ حمل زباله پیدا می‌شود. به آنها سیم تریلی می‌گویند. سرکارگر با دست اشاره می‌کند. زباله‌ها را در سوله کناری تخلیه کند. با سر رسیدن زباله، نقاله سوله دوم هم روشن می‌شود. تپه بزرگی از زباله در ورودی یکی از سوله‌ها توجهم را جلب می‌کند. نایلون‌های رنگی کنار زباله‌هایی که بوی آزار دهنده‌ای دارند، جاذوش کرده‌اند. آسمان هم در تسخیر پرنده‌هایی است که خوراک‌شان روی زمین پهن شده است؛ از قوش و شاهین بگیر تا مرغ ماهیخوار و سار و کلاغ. اینجا خبری از مستند حیات وحش و شکار پرندگان شکاری نیست و همه کنار هم زندگی خوب و خوشی دارند و از پسماندهایی که قرار است به کمپوست تبدیل شوند، تغذیه می‌کنند. دین عقاب‌هایی که کنار مرغ ماهیخوار و سار روی تپه پسماندها نشسته‌اند، جالب است. از کیلومترها دورتر با دیدن دسته بزرگ پرنده‌ها که در آسمان چرخ می‌زنند، متوجه می‌شویم به مقصد نزدیک شده‌ایم. جایی که داستان زباله‌های تهران به اینجا ختم می‌شود؛ مجتمع پردازش و بازیافت زباله آرادکوه نزدیکی‌های کهریزک.

ماشین‌های بزرگ سبز رنگ مشغول سرند کردن زباله‌ها هستند. قرار است این زباله‌ها بعد از دو ماه راهی سایت کمپوست شوند. آرادکوه جایی است که با انتشار بوی بد در تهران نام آن بر سر زبان‌ها افتاد. اما جالب اینکه هیچ بوی آزار دهنده‌ای به مشام نمی‌رسد. انگار پرنده‌ها هم از این وضعیت راضی هستند و هر روز به تعدادشان اضافه می‌شود.

«این کارگران را می‌بینی؟ همه متخصص هستند. آن پسر که بطری‌های پلاستیکی را بین زباله‌های روی نقاله بیرون می‌کشد می‌بینی؟ متخصص این کار است و یک بطری هم از زیر چشمش رد نمی‌شود.» این را مجید می‌گوید. سرکارگر و پیمانکار بخش پردازش پسماند. حواش به همه جا هست.

تسمه نقاله با صدای گوش‌خراشی کار می‌کند و برای حرف زدن باید فریاد بزنی. مجید به لودی که زباله‌ها را داخل قیف بزرگی می‌ریزد

اشاره می‌کند و می‌گوید: «اینجا انتهای سفر زباله‌های پایتخت است. از شب تا صبح ۲۵۰ سیم تریلی بزرگ نزدیک به ۶ هزار تن زباله پایتخت را اینجا می‌آورند. تا چند سال قبل ۹ هزار تن زباله اینجا می‌آمد اما شرایط اقتصادی و تکنیک زباله در مراکزی که توسط شهرداری احداث شده ورودی زباله را به ۶ هزار تن کاهش داده است. در این مراکز زباله‌هایی مثل چوب و شاخ و برگ و میل‌های چوبی جدا و تبدیل به چپیس چوب می‌شود.»

آژیر سالن شبیه آژیرهایی است که در فیلم‌های جنگ جهانی دیده و شنیده‌ام. اما این صدای گوش‌خراش برای کارگران عادی است، طوری که حتی سرشان را هم بالا نمی‌آورند. این آژیر یعنی خط روشن شده و کارگرها باید مراقب باشند دست‌شان زیر نقاله نرود.

مجید این را می‌گوید و سراغ یکی از کارگران که مشغول جوارو زدن محوطه است، می‌رود: «قبل از اینکه زباله‌ها روی نقاله قرار بگیرد با این دستگاه سرنند می‌شوند و میخچه‌ها هم نایلون زباله‌ها را پاره می‌کنند. وقتی زباله روی نقاله قرار گرفت با آهن‌ریا فلزات بین زباله جدا می‌شود و بعد با آهک ۱۱۵ کارگر در این هفت سوله با چشم مواد قابل بازیافت را جدا می‌کنند؛ یکی پلاستیک برمی‌دارد و یکی شیشه و کاغذ.

خلاصه هر چیزی که قابل بازگشت و صرفه اقتصادی داشته باشد، جدا می‌شود. از اینجا که عبور کنیم، فاز دوم جداسازی شروع می‌شود و زباله خشک و تر جدا می‌شوند. زباله تر از این خروجی آبی رنگ بیرون می‌رود و بار کامیون می‌شود. زباله‌هایی که صرفه اقتصادی ندارند و باید دفع شوند هم از خروجی قرمز بار کامیون‌ها می‌شود. زباله تر شامل پوست میوه، سبزیجات و باقی مانده غذاست که همه اینها تبدیل به کمپوست می‌شود.

البته الان وضعیت تفکیک زباله خیلی بهتر شده. تا ۵ سال پیش آنقدر بطری و ظروف پلاستیکی و شیشه بین زباله‌ها بود که نمی‌توانستیم همه آنها را جدا کنیم اما الان مردم توی خانه‌ها با محل کار خودشان بطری‌های پلاستیکی و مواد قابل بازیافت را جدا می‌کنند.

کارگرهای اینجا از ۸ صبح تا ۵ عصر باید به این زباله‌ها چشم بدوزند و جدا کنند. یک ساعتی هم وقت ناهار دارند. مواد قابل بازیافت هم بعد از گندزدایی به مراکز خاص ارسال می‌شود. شرایط کار اینجا سخت است و این

بچه‌ها در معرض انواع بیماری قرار دارند. سالی دو بار واکسن می‌زنند و دو پزشک هم در مجتمع آرادکوه مستقر هستند و مدام آنها را معاینه می‌کنند.»

مجید تپه زباله‌ها را نشان می‌دهد و می‌گوید:

«اگر پول یا طلا و جواهر کم کنید مجال است. بین ۶ تن زباله بتوانید آن را پیدا کنید. شما بگو توی این زباله‌ها پول و طلا پیدا می‌شود؟

هر سال چند نفر که فکر می‌کنند پول یا طلا و جواهرات‌شان با زباله‌های خانه اینجا آمده سراغ ما می‌آیند و ساعت‌ها زباله‌ها را بالا و پایین می‌کنند اما چیزی پیدا نمی‌کنند. سالی هم چند بار اجساد تکه تکه شده پیدا می‌کنیم. امسال دو تا جنازه پیدا کردیم. همین دو ماه پیش وقتی مشغول پردازش زباله‌ها بودیم تنه یک مرد روی نقاله آمد. بلافاصله دستگاه را خاموش کردیم و به مسئولان آرادکوه اطلاع دادیم. یک ساعت بعد پلیس و پزشکی قانونی سر رسیدند.

آژیر یعنی این جنازه در زباله‌های سوله کناری و ساعت بعد پلیس و پزشکی قانونی سر رسیدند. پاهایش هم در سوله آخر پیدا شد. وقتی تکه‌های جسد به شکل پراکنده در سوله‌های مختلف پیدا می‌شود یعنی قاتل بعد از منته کردن جسد، آنها را در سطل‌های زباله مناطق مختلف تهران انداخته است.»

موقع خداحافظی، مجید از میان زباله‌ها سوزن سرنگی را نشانم می‌دهد و می‌گوید: «تکلیف زباله‌های بیمارستانی و کلینیک‌ها که معلوم است. مستقیم برای دفع به سلول‌های بهداشتی منتقل می‌شوند اما خیلی از مردم که توی خانه از سرنگ استفاده می‌کنند آنها را با بقیه زباله‌ها دور می‌ریزند. اینجا وقتی بچه‌ها مشغول جداسازی هستند، سوزن این سرنگ‌ها دست‌شان را زخمی می‌کند. خواهش می‌کنم به مردم بگویید بعد از استفاده از سرنگ نوک

می‌روند و بومی‌کشند. در سایت تولید کمپوست خبری از صدهای گوش‌خراش نیست. چند دستگاه همزن مخروطی شکل کار می‌کنند و کارگرها در سطل‌های داخل آنها می‌ریزند. سرکارگر می‌گوید سه سالی است این مرکز راه افتاده و

دووق دوباره لباس‌های دستباف

وقتی بافتنی‌ها

قصه می‌گویند

با خرید کمپانی «اکتیویژن بلیزارد» صورت می‌گیرد

پایانی بر جدال مایکروسافت و فروشگاه‌های اپ

۱۱ صفحه

۱۲ صفحه

افزایش روزانه ۵۰ تن زباله بیمارستانی در پیک کرونا

با شیوع ویروس مرگبار

کرونا زباله بیمارستانی تهران از ۷۰ تن در روز به ۱۲۰ تن رسید. پسماندی که اگر با پروتکل‌های کامل بهداشتی دفن نمی‌شد، می‌توانست کانون جدیدی برای انتشار این ویروس



دکتر حسین حیدریان
معاون پردازش و دفع سازمان مدیریت پسماند

باشد. اما کارکنان سازمان پسماند و پردازش شهرداری در مجتمع آرادکوه از روزهای اول شیوع این ویروس، پسماندهای بیمارستانی را با شیوه‌های کاملاً بهداشتی دفع کردند و این روند همچنان ادامه دارد. اگرچه با عبور از پیک ششم میزان پسماندهای بیمارستانی کمتر شده اما رعایت پروتکل‌های بهداشتی هنوز هم ادامه دارد. البته ۱۲۰ تن فقط مربوط به بیمارستان‌ها و مراکز پزشکی است و همه می‌دانیم که خیلی‌ها در خانه بستری می‌شدند و قاعدتاً زباله آلوده هم تولید می‌شد. در این راستا با آموزش به شهروندان در فضای مجازی خواستیم زباله‌های عفونی را داخل کیسه‌هایی به قطر ۲۰ سانتی‌متر قرار دهند و همراه پسماندهای تر داخل سطل‌های زباله بگذارند. در خط پردازش، این زباله‌ها همراه زباله‌های بیمارستانی دفع می‌شود. همچنین با شیوع کرونا برای دفع زباله‌های بیمارستانی در منطقه آرادکوه، ۲ برابر بیشتر از قبل آهک مصرف می‌کنیم. خوشبختانه با اقداماتی که انجام شد از ایجاد کانون جدید بیماری جلوگیری کردیم و امروز با فروکش کردن کرونا مقدار زباله‌های بیمارستانی به ۱۰۵ تن کاهش پیدا کرده است. متأسفانه این مدت دو نفر از نیروهای مجتمع آرادکوه که به کرونا مبتلا شده بودند، جان خود را از دست دادند.

قبل از شیوع کرونا هزار و ۲۰۰ تن پسماند خشک در مناطق با روش‌های مختلف تفکیک می‌شد اما با شیوع این ویروس مراکز تفکیک پسماند خشک را تعطیل کردیم. به این ترتیب میزان ورودی پسماند به مجتمع آرادکوه روزانه به ۶ هزار و ۳۰۰ تن افزایش پیدا کرد. البته امروز ورودی پسماند به آرادکوه بعد از تفکیک پسماندهای خشک در مبدأ به ۵ هزار و ۳۰۰ تن در روز رسیده است. همچنین سلول‌های دفع زباله‌های بیمارستانی را هم کاملاً به شکل بهداشتی و مهندسی عایق‌بندی کرده‌ایم تا شیرابه آن به خاک و آب‌های زیرزمینی نفوذ نکند.

موضوع تفکیک زباله توسط شهروندان از مبدأ موضوع مهمی است که می‌تواند به پاکیزگی شهر کمک کند. در تهران هنوز با استانداردهای مدنظر فاصله داریم. خوشبختانه با زیرساخت‌هایی که در ایستگاه‌های مترو و میداین تریار شکل گرفته و با به‌کارگیری اپلیکیشن‌های مختلف در این زمینه شرایط نسبت به گذشته بهتر شده است و امیدوارم تا ۲ سال آینده به استاندارد لازم در زمینه تفکیک زباله بین خانواده‌ها برسیم. شاید یکی از دلایلی که در برخی از کشورهای مردم توجه بیشتری به تفکیک زباله دارند، ساختارهای اجباری باشد. این اجبار با جریمه هم همراه است. ولی در کشور ما اجباری وجود ندارد و خیلی از مردم کارهایی انجام می‌دهند که باعث ترویج زباله‌گردی می‌شود. شهروندان می‌توانند به جای اینکه زباله‌های خشک را کنار سطل‌های زباله قرار دهند، آن را به غرغره‌های دریافت پسماندهای خشک یا خودرو مخصوص پیمانکاران شهرداری در مناطق تحویل دهند.

۲۵ تا ۳۰ درصد زباله تولیدی شهروندان زباله خشک ارزشمند و قابل بازیافت است که ۱۰ درصد آن توسط زباله‌گردها تفکیک می‌شود. زباله خشک دوباره به صنعت برمی‌گردد و زباله ترمه بعد از اینکه شیرابه آن گرفته شد به مواد آلی و بعد از آن به کمپوست تبدیل می‌شود. ۴۰ درصد از زباله‌ها هم که ارزش اقتصادی و یا قابلیت کمپوست ندارد، دفع می‌شود. ۲۰۰ تن هم به زباله‌سوز می‌رود و تبدیل به برق می‌شود. واقعیت این است که اگر اقدامی برای مدیریت پسماند انجام ندهیم، حداکثر تا ۱۰ سال آینده می‌توانیم در آرادکوه زباله دفع کنیم. در این راستا با اجرای طرح جامع مدیریت پسماند که تصریف و ابلاغ شده اقق ۲۰ ساله‌ای برای مجموعه آرادکوه در نظر گرفته شده است. این طرح متمرکز بر فاینال سازی و مدیریت پسماند در مبدأ است تا بتوانیم حداقل تا ۲۰ سال آینده

آراد کوه را داشته باشیم. بر اساس آمارهای جهانی متوسط سرانه تولید زباله در دنیا حدود ۸۰۰ تا ۸۵۰ گرم است و در تهران میانگین تولید زباله ۷۰۰ تا ۷۵۰ گرم است که کمتر از نرم جهانی است. بررسی‌های آماری نشان می‌دهد تولید پسماند نسبت به ۵ سال قبل ۲۲ درصد کاهش داشته است. البته ۵ تا ۲ درصد این کاهش به دلیل شرایط اقتصادی است و ۱۵ درصد به دلیل کارهایی که در مبدأ انجام می‌گیرد.



تکلیف زباله‌های بیمارستانی و کلینیک‌ها که معلوم است. مستقیم برای دفع به سلول‌های بهداشتی منتقل می‌شوند اما خیلی از

مردم که توی خانه از سرنگ استفاده می‌کنند آنها را با بقیه زباله‌ها دور می‌ریزند. اینجا وقتی بچه‌ها مشغول جداسازی هستند سوزن این سرنگ‌ها دست‌شان را زخمی می‌کند. خواهش می‌کنم به مردم بگویید بعد از استفاده از سرنگ، نوک سوزن را خم کنند که دست این بچه‌ها زخمی نشود. البته تیغ و شیشه هم که داستان خودش را دارد